

با سخنرانی شفاهی ارائه شده مقایسه کنید.

## ترجمه غیررسمی

پنجاه و پنجمین جلسه شورای حقوق بشر

بیانیه سارا حسین، رئیس کمیته مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب در مورد جمهوری اسلامی ایران

ژنو، ۲۸ اسفند ۱۴۰۲

ریاست محترم، نمایندگان گرامی، ناظران، خانم‌ها و آقایان محترم،

افتخار دارم امروز به نمایندگی از کمیته مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب در مورد جمهوری اسلامی ایران (کمیته حقیقت‌یاب)، همراه با همکاران عضو این کمیته، پروفسور شاهین سردارعلی و خانم ویویانا کرسیتیچویچ، شورای حقوق بشر را مورد خطاب قرار دهم.

شورای حقوق بشر سازمان ملل، در آذرماه ۱۴۰۱، کمیته حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی در مورد جمهوری اسلامی ایران را جهت تحقیق و بررسی «موارد گزارش شده نقض حقوق بشر در ارتباط با اعتراضات آغاز شده در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ در جمهوری اسلامی ایران، به ویژه موارد نقض مربوط به زنان و کودکان»، تاسیس کرد. در بهروزآوری شفاهی تیر ماه سال شمسی جاری، برای شورا تصریح کردیم که مدارک و شواهد مسیر ما را تعیین خواهند کرد. در همین راستا، طی سالی که گذشت، درباره موارد گزارش شده نقض حقوق بشر و حقایق و شرایط پیرامونی، تحقیقات جامع و مستقلی انجام داده‌ایم.

از ابتدا، با حسن نیت درصدد تعامل با دولت ایران بودیم. با این وجود، متأسفانه دولت ایران نه همکاری نمود، نه اجازه دسترسی به کشورداد، و نه تا بهمن‌ماه ۱۴۰۲ پاسخی به ۲۱ نامه استعلام تفصیلی ارسال شده از سوی این کمیته، ارائه نمود. در همین زمان، دولت ایران به اعمال محدودیت‌های گسترده بر ارتباطات آنلاین، از جمله، دست زدن به اقداماتی چون نظارت تجسسی، آزار و اذیت و ارباب قربانیان و خانواده‌هایشان ادامه داد که مانع از قدم پیش گذاشتن مردم برای تماس با این کمیته شود. کمیته نیز خود می‌بایست در پیروی از اصل آسیب نرساندن و با در نظر گرفتن خطر به شدت واقعی اقدامات تلافی‌جویانه بالقوه علیه آنها بیکه در ایران نظرات خود را بیان می‌کنند، رویکردی فوق‌العاده محتاطانه را در پیش گیرد.

با وجود این چالش‌ها، سرانجام کمیته نائل به گردآوری و حفظ و نگهداری بالغ بر ۲۷۰۰۰ مدرک و ادله و انجام ۱۳۴ مصاحبه مفصل و عمیق با قربانیان و شاهد‌ها، از جمله ۴۹ زن، ۸۵ مرد هم از داخل و هم در خارج از ایران گشت. کمیته همچنین از مدارک و شواهد و تحلیل‌های کارشناسان امور

دیجیتال و پزشکی قانونی و قانون بین‌المللی و قانون داخلی به‌رمند شد. کمیته همچنین با دقت تمام به بررسی مدارک رسمی دولت ایران، از جمله اظهارات رسمی مقامات، همراه با ۴۱ گزارش ستاد حقوق بشر قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران (که توسط سایر نهادهای سازمان ملل دریافت شده بودند)، پرداخت و همچنین با «کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های ۱۴۰۱» چندین تماس داشت.

بدین‌ترتیب، یافته‌های کمیته متکی بر پایه روش‌شناختی دقیق و استواری هستند و این یافته‌ها، نتیجه‌گیری گزارش این کمیته و اسناد موسوم به «اسناد اتاق کنفرانس» که امروز منتشر شده است، را تأیید می‌کنند.

عالیجناب،

امروز، در همین هنگام که ما گفتگو می‌کنیم، موارد فاحش نقض حقوق بشر و جرایم بین‌المللی از جمله در جریان درگیری‌های مسلحانه، در سراسر دنیا در حال وقوع هستند و موجب ویرانی زندگی‌های هزاران نفر از غیرنظامیان می‌شوند، و این اوضاع، به درستی و بجا، سرخط خبرها را به‌خود اختصاص داده‌اند. شورای حقوق بشر نقش حیاتی در واکنش به این موارد نقض و تضمین دسترسی بر حقیقت، عدالت و پاسخگویی و اقدامات جبرانی برای تمام قربانیان ایفا می‌کند. این شورا باید در عملکرد خود، اصل جهان‌شمولی حقوق بشر را رعایت کند و از استانداردهای دوگانه و تبعیض پرهیز نماید.

با وجود این، شورای حقوق بشر در انجام این امر نباید از رویارویی با موارد نقضی که قربانیان آن دیگر در مرکز توجه قرار ندارند، همچون مورد ایران، روی‌گردانی کند و دلایل موجب تأسیس این مأموریت پابرجا هستند. استانداردهای دوگانه همچنین مطرح هستند وقتی دولت‌ها به سرکوب حقوق مردم خود در خاک کشور خویش می‌پردازند و در عین حال دم از عدالت بین‌المللی می‌زنند. در حالی که توجه دنیا به جای دیگری معطوف شده، سرکوب در ایران، علیه زنان و مردانی که خواهان تغییر و در مطالبه عدالت می‌باشند، ادامه دارد.

عالیجناب،

کمیته احراز کرده است که مقامات کشور ایران مسئول موارد فاحش نقض حقوق بشر در ارتباط با اعتراضات آغاز شده در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ می‌باشند. این موارد نقض شامل مرگ‌های ناشی از اعمال غیرقانونی، اعدام‌های فراقضایی، استفاده غیرضروری و نامتناسب و بی‌رویه از قوه قهریه، دستگیری‌های خودسرانه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، تجاوز و خشونت جنسی، ناپدیدسازی‌های قهری و تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت، می‌باشند. این اعمال در بستر یک حمله گسترده و سازمان‌یافته علیه زنان و کودکان دختر و سایر اشخاصی که حمایت خود را از حقوق بشر بیان کرده‌اند صورت گرفته‌اند و از این‌رو برخی از این موارد جدی نقض حقوق بشر به حدی رسیدند که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند. این موارد شامل قتل، شکنجه، و تجاوز، و همچنین تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت می‌باشند که با تعقیب و آزار مبتنی بر دین و اثنیک در هم‌تنیده بوده است.

اکنون اجازه دهید شما را از نتایج تحقیقات کمیته در مورد سرنوشت ژینا مهسا امینی، زن ۲۲ ساله کرد ایرانی که جرعه اعتراضات شهریور دو سال پیش شد مطلع نمایم. طی سه روز از دستگیری توسط گشت ارشاد به ادعای عدم رعایت قوانین حجاب اجباری، این زن جوان که آرزو داشت در آینده دکتر شود، در بازداشت جان باخت. تحقیقات ما احراز کرد که مرگ وی ناشی از اعمال غیرقانونی و در اثر خشونت فیزیکی در حین بازداشت توسط مقامات کشور بوده است.

در پی جانباختن ژینا مهسا امینی، اعتراضات شهری و سپس سراسری جرقه خوردند و به آنچه که ما به نام جنبش «زن، زندگی، آزادی» می‌شناسیم تبدیل شدند. زنان جوان و کودکان دانش‌آموزان طایه‌دار این جنبش شدند. زنان و دختران در اقدامی به نشان مبارزه با سال‌ها قوانین و اعمال تبعیض‌آمیز، حجاب از سر برداشتند. مردان و کودکان پسر به این جنبش ملحق شدند، و همه خواستار برابری و تحولات اجتماعی و سیاسی شدند. اقلیت‌ها و سایر گروه‌ها که از بی‌عدالتی و تبعیض دیرینه اعمال شده توسط حکومت رنج برده‌اند نیز به این جنبش پیوستند.

در واکنش، کل دستگاه حکومت جهت سرکوب مطالبه‌گری فزاینده برای دسترسی بر حقوق اولیه و بنیادین بشر، بسیج شد.

نیروهای امنیتی در طول اعتراضات از سلاح‌های گرم از جمله مسلسل‌های جنگی، و همچنین تفنگ‌های ساچمه‌ای و پینت‌بال استفاده کردند که منجر به مرگ‌ها و جراحات گسترده شد. استفاده از ای کی ۴۷/کلاشنیکف به طور گسترده‌ای ثبت و مستندسازی شده است و این امر منجر به کشته شدن شمار زیادی از مردم طی روزهای آغازین اعتراضات شد و برخی از مناطق اقلیت‌نشین به نسبت جمعیت‌شان در مقایسه با سایر مناطق کشور بیشتر تحت تأثیر قرار گرفتند.

استفاده از چنان قوای غیرضروری و نامتناسب علیه اعتراضاتی که اکثراً مسالمت‌آمیز بودند منجر به قتل و مجروح شدن معترضان شد. آمار و ارقام معتبر حاکی از آنند که تا ۵۵۱ تن از مردم، از جمله حداقل ۴۹ زن و ۶۸ کودک در ۲۶ از ۳۱ استان کشور، توسط نیروهای امنیتی کشته شدند، و مناطق اقلیت‌نشین به نسبت جمعیت‌شان بیشتر تحت تأثیر قرار گرفتند. به استناد اطلاعات معتبر از استان سیستان و بلوچستان، تنها در یک روز، در تاریخ ۸ مهر ۱۴۰۱، در «جمعه خونین»، در شهر زاهدان، ۱۰۳ تن از معترضان و عابران که اکثر آنها مرد و پسر بودند به دست نیروهای امنیتی کشته شدند که بالاترین رقم ثبت شده تعداد مرگ در تنها یک روز در تمام دوران اعتراضات می‌باشد. مناطق کردنشین نیز به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند.

کمیته متوجه ادعای دولت درباره کشته شدن ۵۴ عضو نیروهای امنیتی و مجروح شدن شمار بسیاری دیگر هست. این کمیته برای بررسی این اوضاع در ماه خرداد از دولت اطلاعاتی در مورد شرایط پیرامون این مرگ‌ها درخواست کرد، اما تا امروز هیچ پاسخی دریافت نکرده است تا بتواند آن ادعاها را مطابق با روش‌شناسی خود ارزیابی کند.

عالیجناب،

همانطور که ممکن است دیده باشید، تصاویر گسترده معترسانی که یک محافظ سفید بر روی یک یا هر دو چشم خود پوشیده‌اند، به نشانه و نماد اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ تبدیل شد. این تصادفی نبود چون این کمیته الگوی استفاده نیروهای امنیتی از سلاح‌های گرم علیه معترضان و رهگذران و هدف‌گرفتن اعضای حیاتی بدن آنان، از جمله صورت، سر، گردن، بالاتنه و ناحیه تناسلی، را احراز کرده است. قربانیان با گلوله‌های متعدد ساچمه‌ای فلزی در بدنشان، پس از مجروح شدن بدون دسترسی به مراقبت‌های درمانی باقی‌ماندند، گاهی برای ماه‌ها و تنها پس از گریختن به خارج از کشور تحت مراقبت‌های درمانی قرار گرفتند. با این حال، مدت‌ها بعد از ترک ایران، قربانیان به دلیل صحبت در مورد جراحات خود همچنان تهدید می‌شدند. نیروهای امنیتی به یک زن معترض که یک چشمش را نابینا کرده بودند گفته بودند که «هر کجا باشد پیدایش می‌کنند و سراغ چشم دیگرش می‌آیند».

عالیجناب،

نیروهای امنیتی همچنین به دستگیری‌های جمعی خودسرانه معترضان اقدام کردند. دولت ایران اعلام نمود که ۲۲۰۰۰ تن از مردم در ارتباط با اعتراضات مورد عفو قرار گرفتند. این خود اشاره بر تعداد بسیار بالاتر بازداشتی‌ها و متهم‌شدگان دارد.

زنان و مردان، و کودکان پسر و دختر، هنگام رقصیدن، شعار دادن، شعار نوشتن، یا بوق زدن در خودرو در اقدامات مسالمت‌آمیز به‌نشانه همبستگی، به طرز فجیعی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و دستگیر شدند. پس از دستگیری، نیروهای امنیتی، بازداشت‌شدگان را به صورت دسته جمعی و به صورت هماهنگ به بازداشتگاه‌های غیر رسمی و نامعلوم که توسط وزارت اطلاعات، بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اداره می‌شوند، منتقل کردند. همانطور که از شاه‌دانشینان شنیدیم، در حین بازداشت، معترضان، از جمله زنان و کودکان، را ممنوع از ملاقات و تماس تلفنی و یا به مدت طولانی در سلول انفرادی، در شرایط غیرانسانی، نگه می‌داشتند و بدین ترتیب آنها را از وجوه اساسی کرامت انسانی محروم می‌نمودند. نیروهای امنیتی آنان را از تماس با خانواده‌ها یا وکلایشان محروم کرده و آنها را خارج از حمایت قانون قرار می‌دادند، و غالباً تحت شرایطی نگه می‌داشتند که مصداق ناپدیدسازی قهری محسوب می‌شود. برای تنبیه، تحقیر یا گرفتن اعتراف اجباری، بازداشت‌شدگان اغلب مورد خشونت جنسی و مبتنی برجنسیت قرار می‌گرفتند، که شامل تجاوز جنسی گروهی و تجاوز با شی و همچنین ضرب و شتم، شلاق، یا شوک‌های الکتریکی بودند که مصداق شکنجه محسوب می‌شوند. نیروهای امنیتی به دنبال مجازات زنان، به ویژه به دلیل مشارکت آنها در جنبش «زن، زندگی، آزادی» بودند و خشونت جنسی را بر این اساس که «این آزادی بود که آن‌ها خودشان می‌خواستند» توجیه می‌کردند.

کودکان مورد قتل فراقضایی، شکنجه، تجاوز جنسی، و نگهداری در بازداشتگاه‌ها همراه با بزرگسالان، اغلب در شرایطی که مصداق ناپدیدسازی قهری محسوب می‌شدند، قرار گرفتند. برخی دیگر از کودکان با هدف «اصلاح» به مراکز بازداشت اطفال و نوجوانان یا مراکز روان‌درمانی انتقال داده شدند.

محاکمه‌ها با نقض سیستماتیک دادرسی عادلانه خدشه دار شد. اکثر افرادی که در ارتباط با اعتراضات محاکمه شدند به دادگاه‌های انقلاب معرفی شدند و بر اساس اتهامات مبهم «افساد فی الارض» یا «محاربه» در رابطه با رفتار یا گفتار محافظت شده تحت آزادی بیان محاکمه شدند. بسیاری از افراد از دسترسی به وکیل تعیینی مستقل محروم شدند و امکان دسترسی به پرونده خود و دادنامه‌های صادره را نداشتند. قضات دادگاه‌ها نسبت به معترضان آشکارا غرض‌نشان داده و به طرز سازمان‌یافته شکایات مربوط به تجاوز جنسی، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را نادیده گرفتند.

پیرو دادرسی‌های شتابزده، معیوب و ناقض ضمانت‌های دادرسی عادلانه و محاکمه منصفانه، حداقل ۹ مرد جوان اعدام شده‌اند، امری که موجب ایجاد وحشت در میان سایر معترضان شده است. تا ژانویه سال جاری، دادگاه‌های ایران دستکم ۲۶ حکم اعدام را علیه افراد در ارتباط با اعتراضات صادر کرده بودند.

عالیجناب،

با گذشت یک سال و نیم از آغاز اعتراضات، دولت ایران هنوز نارضایتی‌هایی را که معترضان را در سپتامبر ۲۰۲۲ (شهریور ۱۴۰۱) به خیابان‌ها آورد، به رسمیت نشناخته است. نه تنها پاسخگویی از سوی مسئولان امری دست‌نیافتی برای مردم است، بلکه دولت اقدامات هماهنگ برای ساکت کردن قربانیان و خانواده‌های آنها که خواهان حقیقت و عدالت هستند انجام می‌دهد. دولت همچنین آن‌هایی را که ابراز همبستگی کردند هدف گرفته است، از جمله حدود ۱۰۰ روزنامه‌نگار که برخی از آن‌ها به علت پوشش خبری اعتراضات دستگیر شده‌اند، و وکلایی که مورد احضار، دستگیری، احکام محکومیت، تعلیق از حرفه وکالت و آزار و اذیت از سوی مقامات قرار گرفته‌اند تا از نمایندگی معترضان باز داشته شوند.

مقامات دست به اقدامات هماهنگ برای پنهان کردن حقیقت در مورد کشتارها و تحمیل سکوت به خانواده‌های سوگوار معترضان کشته شده زده‌اند. آنها همچنین به طور سازمان‌یافته، اعضای خانواده‌ها را به دلیل سوگواری برای عزیزانشان و بیان اعتراض و دادخواهی مورد تهدید، ارباب، ضرب و شتم یا دستگیری قرار داده‌اند. یکی از خویشاوندان یک معترض کشته شده به ما گفت: «ما حتی اجازه سوگواری نداریم و این رنج ما را مضاعف کرده است... در یک سال گذشته حتی یک نفر در ارتباط با این قتل دستگیر نشده است. اما در همین مدت چند نفر از اعضای خانواده‌ام دستگیر شده‌اند».

با گذشت یک سال و نیم، زنان و دختران همچنان هر روزه با تبعیض در قانون و در عمل مواجه هستند که تمام جنبه‌های زندگی خصوصی و عمومی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ما گزارش‌های هراس‌انگیزی را در مورد استفاده دولت از هوش مصنوعی، از جمله اپلیکیشن‌های جدید موبایل، برای نظارت و اجرای قوانین حجاب اجباری علیه زنان و دختران دریافت می‌کنیم. به سختی می‌توان فهمید که در قرن بیست و یکم، دسترسی زنان به ابتدایی‌ترین خدمات و فرصت‌ها، مانند مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و دادگاه‌ها، یا فرصت‌های شغلی در دولت یا سایر بخش‌ها باید مشروط به یک الزام کاملاً خودسرانه برای داشتن حجاب اجباری شود. اینکه یک زن یا دختر حجاب را انتخاب کند یا نه، نمی‌تواند تعیین‌کننده دسترسی او به حقوق و آزادی‌های بنیادین باشد.

عالیجناب،

مسئولیت و وظیفه اصلی حمایت و ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بر عهده دولت است. اما در شرایط ایران، امر تاریخی و نظام‌یافته مصونیت از مجازات هر گونه امید به عدالت و جبران را از جامعه سلب کرده است. شاهدان دائماً از ما می‌پرسیدند که نتیجه یک شکایت چه می‌تواند باشد، و خاطر نشان می‌کردند که این خود معترضان هستند که در نهایت «محاكمه می‌شوند».

شجاعت قربانیان، شاهدان و اعضای خانواده‌هایی که روایت‌های خود را به ما سپرده‌اند، بر نیاز به همبستگی جهانی تأکید می‌کند، که باید با اقدامات مشخص برای حمایت از قربانیان، از جمله با کاوش و یافتن راهبردهایی جهت دسترسی به عدالت، همراه باشد.

بدون پاسخگو کردن و مسئول نگه داشتن مرتکبان موارد نقض حقوق بشر در بستر اعتراضات آغاز شده در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، چرخه مصونیت از مجازات شکسته نخواهد شد. ما از دولت ایران مصرانه خواهانیم که تدابیر و اقدامات فوری و مشخصی برای توقف احکام اعدام اتخاذ کند؛ همه کسانی را که خودسرانه در ارتباط با اعتراضات بازداشت شده‌اند، از جمله زنانی که به دلیل سرپیچی

از حجاب اجباری دستگیر شده‌اند را، به سرعت آزاد کند؛ آزار و اذیت قضایی قربانیان و خانواده‌های آنها را متوقف کند و برای آنها دسترسی بر جبران خسارت، حقیقت، عدالت و اقدامات ترمیمی و جبرانی فراهم آورد و سیستم مبتنی بر آزار و تعقیب که برای اجرای این قوانین و سیاست‌ها طراحی شده است، را برچیده و منحل کند.

از توجه شما سپاسگزارم